

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته
۱۹ می ۲۰۲۲

ردپای قساوت ۲۰۰ ساله امریکا و «دکترین مونرو» در امریکای لاتین



دو کشور امریکای لاتین اخیراً اعلام کردند که اگر ونزویلا، نیکاراگوئه و کوبا به «اجلاس قاره امریکا» دعوت نشوند، آن‌ها نیز شرکت نخواهند کرد. خبرگزاری چینی شینهوا به همین بهانه گزارشی از پیشینه سوءرفتار امریکا با این کشورها و سیر مختصر تحولات رابطه ایالات متحده با امریکای لاتین و حوزه کارائیب نوشته است.

خبرگزاری شینهوا نوشت: «مانوئل لویز اوبرادور، رئیس‌جمهوری مکزیکو و لوئیس آرسه، همتایش از بولیوی اعلام کردند که اگر میزبان «اجلاس قاره آمریکا» در ماه آینده میلادی به دعوت نکردن کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا پافشاری کند، آن‌ها هم در این اجلاس شرکت نخواهند کرد. موضع این کشورها منعکس‌کننده مخالفت منطقه‌ای با بیرون نگه داشتن کشورهای مذکور از اجلاس قاره آمریکاست، اما این نخستین باری نیست که آمریکا سعی می‌کند خواست خود را به تمامی قاره آمریکا تحمیل کند و آخرین بار هم نخواهد بود. در تقریباً دوصد سالی که از اتخاذ «دکترین مونرو» توسط آمریکا می‌گذرد، وحشی‌گری آمریکا در آمریکای لاتین بر روابط دوجانبه سایه افکنده است.

تهاجم نظامی

تاریخ توسعه آمریکا نیز داستان مقاومت خونین و اشکبار مقاومت آمریکای لاتین است. ایالات متحده آمریکا پس از شکل‌گیری - که با بیرون ماندن سرخپوست‌های آمریکای شمالی از قلمروشان همراه بود - یک سیاست گسترش در مقابل مکزیکو، همسایه جنوبی خود اتخاذ کرد. آمریکا در جنگ نیمی از قلمرو مکزیکو را تصرف کرد، از جمله تمامی یا بخش‌هایی از ایالات امریزی کالیفرنیا، نوادا، یوتا، نیومکزیکو، تکزاس، آریزونا، کلرادو و وایومینگ. مکزیکو برخی از منابع چشمگیر معدنی خود را از دست داد که بر توسعه اقتصادی این کشور تأثیر گذاشت. در اواخر قرن نوزدهم آمریکا یک حمله دیگر انجام داده و طی جنگ اسپانیا - آمریکا، پورتوریکو را در بحیره کارائیب تصرف کرده و کوبا را نیز اشغال کرد. در اوایل قرن بیستم تجاوزهای مکرر آمریکا در آمریکای لاتین رفته رفته کشورهای این منطقه را تحت نفوذ آمریکا قرار داد. در ۱۹۰۳ ایالات متحده با اجبار و زور، بندر طبیعی کوبا در بحیره کارائیب یعنی گوانتانامو را اجاره کرده و آن را به نخستین پایگاه نظامی خود در خارج از خاک این کشور بدل کرد. تا امروز، واشنگتن از پس دادن این بندر به کوبا خودداری کرده است. در ۱۹۱۵، آمریکا به بهانه محافظت از «جوامع دور از وطن» در برابر ناآرامی‌های محلی، نیروهایش را برای اشغال هائیتی اعزام کرده و تا سال ۱۹۳۴ از آن خارج نشد. جمهوری دومینیکن نیز از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۴ تحت اشغال آمریکا بود. آمریکا این کار را برای جمع‌آوری بدهی‌های دولت‌های این کشور انجام داد. آمریکا در ۱۹۶۵ نیز بار دیگر و در پی سرنگونی دولت تحت حمایت آمریکا در جمهوری دومینیکن با جنگ داخلی، به این جزیره حمله کرد و ۴۰ هزار تن از نیروهایش را به بهانه «احیای نظم» به آنجا اعزام کرد. در ۱۹۸۹ آمریکا نیروهای ویژه‌اش را تحت پوشش «حفاظت از جان و مال شهروندان آمریکا» برای حمله به پاناما اعزام کرد و با سرنگونی حکومت نظامی در آنجا، تلاش کرد کنترل دائمی کانال پاناما را به دست گیرد.

بهره‌کشی اقتصادی

در ۱۹۰۴ «او هنری» نویسنده آمریکایی از تجربیات خود در هندوراس برای نوشتن رمان «کلم‌ها و پادشاهان» استفاده کرد، رمانی که نویسنده در آن از غارت بی‌رحمانه انحصارات ایالات متحده در امریکای مرکزی و کارائیب سخن گفت و در توصیف کشورهای که تحت کنترل و اشنگتن قرار داشتند و اقتصادشان تنها به یک محصول – مانند موز – اتکاء داشت، از عبارت «جمهوری موز» استفاده کرد.

تا سال ۱۹۳۰، کنترل حدود ۱.۴ میلیون هکتار از زمین‌های کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس و پاناما و همچنین بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر از راه‌آهن و گمرک، مخابرات و دیگر خدمات اساسی این کشورها در اختیار شرکت امریکایی «یونایتد فروت» قرار داشت.

در ۱۹۴۷، کسب‌وکارهای امریکا به تنهایی ۳۸ درصد از تولید ناخالص داخلی هندوراس، ۲۲.۷ درصد از گواتمالا، ۱۶.۵ درصد از کاستاریکا و ۱۲.۳ درصد از پاناما را به خود اختصاص دادند.

این کشورها که مورد استثمار و غارت امریکا قرار گرفته‌اند، با اقتصادی عقب‌مانده به دست‌نشانندگان اقتصادی ایالات متحده به عنوان تأمین‌کنندگان مواد خام و زباله‌دان کالاهای اساسی امریکا تبدیل شده‌اند.

علاوه بر این، واشنگتن تعرفه و تحریم‌هایی تبعیض‌آمیز علیه کشورهای امریکای لاتین وضع کرده و می‌کند و توسعه اقتصادی این کشورها را بیش از پیش محدود می‌کند.

در ۱۹۶۲ امریکا تحریمی تجاری علیه کوبا وضع کرد که به محاصره این جزیره منتهی شده و تا اواسط ۲۰۲۱، حدود ۱۵۰ میلیارد دلار ضرر اقتصادی برای کوبا به دنبال داشت.

برونو رودریگز، وزیر امور خارجه کوبا گفت: این محاصره اقتصاد ما را خفه کرده، باعث کمبود کالاها شده، توسعه را با مشکل مواجه ساخته و موجب به وقوع پیوستن شدیدترین نقض‌های حقوق کوبایی‌ها می‌شود.

ونزوئلا نیز از سال ۲۰۱۵ از بیش از ۴۳۰ تحریم وضع شده توسط امریکا و متحدانش رنج برده و بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار به اقتصادش آسیب وارد شده است.

این تحریم‌ها موجب کاهش ۹۹ درصدی درآمدهای ونزوئلا شده و بر تمامی حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی اثر منفی گذاشته است.

درسایه دکترین مونرو

با ورود به قرن ۲۱، با بهبودی یافتن کشورهای امریکای لاتین از بحران‌های مکرر سیاسی و اقتصادی، رفته رفته رابطه آن‌ها با واشنگتن رنگ تناقض و ستیزه به خود گرفت.

۳۳ کشور این منطقه در سال ۲۰۱۱ «جامعه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب» را تأسیس کردند؛ نخستین سازمان منطقه‌ای در قاره امریکا که قید عضویت ایالات متحده و کانادا را زد.

امریکا در مواجهه با افول مداوم نفوذ خود، وادار به بازنگری در سیاست‌های خود در قبال امریکای لاتین شد.

جان کری، وزیر امور خارجه وقت امریکا در سال ۲۰۱۳ در مقر «سازمان کشورهای امریکایی» گفت که دوره دکترین مونرو به سر آمده و از طلوع دوره‌ای جدید خبر داد که «منافع و ارزش‌های مشترک» امریکا و دیگر کشورهای این منطقه مشخصه برجسته آن است.

اما این تصویر درستی از واقعیت ارائه نمی‌دهد. آدلبرتو سانتانا، محقق مرکز مکسیکوئی «تحقیق در مورد امریکای لاتین و دریای کارائیب» گفت: «عمو سام» هنوز بر سر بسیاری از توسعه‌های سیاسی امریکای لاتین سایه افکنده است.

ردپای واشنگتن در سرتاسر کودتای نظامی ۲۰۰۹ در هندوراس، برکناری «فرناندو لوگو» از پاراگوئه در ۲۰۱۲ و «دیلماروسف» از برزیل در ۲۰۱۶، استعفای اجباری «اوو مورالس» در بولیوی در ۲۰۱۹ و بحران سیاسی جاری در ونزوئلا مشاهده می‌شود.

برنی سندرز، نمایندهٔ دموکرات مجلس سنای امریکا در ماه فیبروری اذعان کرد که ایالات متحده دولت‌های امریکای لاتین و حوزه کارائیب را تضعیف یا سرنگون کرده است.

سندرز گفت: در ۲۰۰ سال گذشته کشور ما تحت دکتترین مونرو فعالیت کرده و این پیش‌فرض را اتخاذ کرده است که امریکا، به عنوان قدرت برتر در نیم‌کرهٔ غربی این حق را دارد تا در امور هر کشوری که ممکن است منافع ادعائی ما را تهدید کند، مداخله کند. تحت این دکتترین، ما دست‌کم ده‌ها دولت را تضعیف و سرنگون کرده‌ایم.

در سال ۲۰۲۰ امریکا «مانورچیو کلاور-کارون» را که رویکردی تندخو و جنگ‌طلب دارد، به ریاست «بانک توسعهٔ بین امریکائی» برگزیده و سنت دیرینهٔ انتصاب رئیس این پست از میان افرادی با ملیت امریکای لاتین را زیر پا گذاشت. واشنگتن این کار را برای اعمال فشار دیپلماتیک بیشتر بر کشورهایمانند ونزوئلا انجام داد.

با آغاز همه‌گیری کرونا، امریکا – که در آن زمان کانون جهانی همه‌گیری بود – سریعاً تعداد نامشخص و ثبت‌نشده‌ای از مهاجران امریکای لاتین را بدون رعایت تدابیر حفاظتی دیپورت کرده و خطر شیوع بیماری در کشورهایمانند با نظام بهداشت ضعیف‌تر را افزایش داد.

جالب این که ایالات متحده در واکنش به درخواست کمک منطقی کشورهای امریکای لاتین برای مدیریت همه‌گیری، تصمیم به نادیده گرفتن آن‌ها و حتی قطع همکاری‌شان با کشورهایمانند خارج از این منطقه گرفته و با ادعای دروغین «تلهٔ بدهی» یا «استعمار نو»، یک مسألهٔ مربوط به سلامت را سیاسی کرده و آن‌ها را وادار کرد تا موضعی اتخاذ کنند که علیه توسعهٔ شان بود.

«میگل دیاز-کانل» رئیس‌جمهوری کوبا گفت، امریکا نمی‌تواند درک کند که امریکای لاتین و حوزه کارائیب تغییر کرده‌اند و دکتترین مونرو نمی‌تواند دوباره اعمال شود.»